

بسم الله الرحمن الرحيم

جلد دوم

علی ولایت به حق

خلافت به عصب

تألیف و گردآوری: ید... علوی راد

سرشناسنامه : علوی راد ، یددا... ۱۳۹۹
عنوان و نام پدید آور : علی ولایت به حق خلافت به غصب /تألیف و گردآوری
یددا... علوی راد
مشخصات نشر : مشهد ، کاتبان ، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری : ج ۲ ، (۴۰۳ ص-)
شابک : ۹۶۴-۷۱۴۰-۳۴-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : چاپ دیگر : عظیمی ، ۱۳۹۱
یادداشت : کتابنامه
موضوع : اسلام اول علی ابن ابی طالب (ع) ، ۲۲ قبل از هجرت -
۴۰ - اثبات خلافت
موضوع : اسلام - تاریخ - از آغاز تا ۴۱ ق
رده بندی کنگره : الف ۱۳۸۸ ع ۸۴ ج ۳۷/۳۵ BP
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۵۰۱
شماره کتاب شناسی ملی : ۱۸۶۶۹۷۸



انتشارات کاتبان

علی ولایت به حق خلافت به غصب
یددا... علوی راد
نوبت چاپ : اول ، ۱۳۹۲
ناشر : انتشارات کاتبان ۷۲۶۱۴۳۱ (۰۵۱۱)
چاپ : ابرار ۷۲۶۱۴۳۵ (۰۵۱۱)
حروف چینی ، صفحه آرایی و طراحی جلد : شرکت تایپ کویر
قیمت ۵۰۰۰۰ ریال - شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه
شابک : ۹۶۴-۷۱۴۰-۳۴-۷
حق چاپ محفوظ است

پیش گفتار

مقدمه

فصل اول

- آشنایی مختصر با سه چهره خلیفه ۱
- خلیفه اول ۱
- خلیفه دوم ۲
- عثمان خلیفه سوم ۳
- رنج علی در ۲۵ سال حکومت ۶
- صحنه حساس در تاریخ اسلام ۱۱
- علی در محاصره مردم در پذیرش رهبری ۱۴

فصل دوم : ترکیب جامعه در زمان علی (ع)

- ترکیب جامعه در زمان علی (ع) ۲۱
- اجماع مردم بعد از قتل عثمان ۳۴
- یک بیعت خارق العاده ۴۶
- شروع زمزمه های مخالفت ۴۵
- دو صحابه بزرگ : طلحه ، زبیر ۴۸
- و اما زبیر ۴۹

عایشه : کارگردان جمل ۵۳

ناکثین ، قاسطین ، مارقین ۵۸

فصل سوم : جنگ جمل ، نبرد با «ناکثین» سال ۳۶ هجری

جنگ جمل ، نبرد با «ناکثین» سال ۳۶ هجری ۶۳

علی (ع) بسوی بصره ۶۳

کوفه و تدیان ضرب المثل بنی وفائی ۶۷

جنگ جمل و احساس علی (ع) : درد علی علیرغم فتح در جمل ۷۷

علی در بصره ۸۸

صدور حکام فرمانداران شهرها ۹۰

بعد از واقعه جمل ۹۱

علی و سوءاستفاده از موقعیت ها هرگز !! ۹۵

جنگ صفین یا نبرد با قاسطین ۲۷ هجری ۱۰۳

دعوت معاویه از عمروعاص در جهت همکاری ۱۰۷

شروع جنگ ۱۱۲

باز هم سیاست در سیاست !! ۱۱۸

فصل چهارم : ضربه از یاران نادان : تعیین حکمیت !

ضربه از یاران نادان : تعیین حکمیت ! ۱۲۴

۱۳۲.....	کدام کلمه : کلمه خلع ؟
۱۳۷.....	خوارج - احساسات منحرف ، مارقین . سال ۳۹ هجری.....
۱۴۳.....	روزهای سخت امیرالمؤمنین (ع).....
۱۴۵.....	شهادت محمد بن ابی بکر.....
۱۴۹.....	نخيله اردوگاه مجاهدين.....
۱۵۰.....	ظهور خوارج « مسلمانان کج فهم » : مارقین ۳۹ هجری.....
۱۵۵.....	نمونه ای جنایت از گروه مارقین.....
۱۵۶.....	جنایتی هولناک تر، آن هم به اسم اسلام.....
۱۵۸.....	خرمقدسی خوارج !!.....

فصل پنجم : غروب خورشید عدالت

۱۶۸.....	غروب خورشید عدالت.....
۱۷۰.....	مأمور ترور معاویه در شام.....
۱۷۱.....	مأمور ترور عمروعاص در فسطاط مصر.....
۱۷۳.....	مأمور ترور علی «ع» در کوفه.....
۱۸۱.....	اما تو ای ابن ملجم.....
۱۸۶.....	فقدان علی (ع) از منظر تاریخ.....
۱۹۸.....	وجه پرمحتوی است گفتار نویسندگان بزرگ غیر مسلمان درباره او.....
۲۰۱.....	گفتار و اظهارات عمر خلیفه دوم درباره فضا ئل علی (ع).....
۲۰۳.....	منابع و مآخذ.....

پیش گفتار:

عیب است گهر به پیش عمان بردن

خار و خس صحرا به گلستان بردن

اما چه کم، عادت موران این است

ران ملخی پیش سلیمان بردن

العاقل یطلب الکمال ، و الجاهل یطلب المال ، خردمند در

جستجوی کمال و نادان در جستجوی مال .

فاصله بشر است به کانون معرفت افزونی یافت ، و دیدگان

ظاهربین انسان وضع زندگی خود را با آزادزیستی جانوران قیاس کرد.

اوراق دفتر زندگی از غرایز حیوانی مستور گشت ، و منحنی پیشرفت

فکر انسان نزولی گردید . بشر باستانی که زاینده بی بند و باری بود ،

در ژرفای حیوانیت فرو رفت ، و از منظور اساسی آفرینش و وظیفه

بزرگ اجتماعی خود غفلت ورزید . سطح اخلاق در جامعه انسانی

پایین آمد ، و دنیای صنعتی نیز نتوانست به نیازهای معنوی انسان

پاسخ دهد.

گذشت زمان میان دستورات رهبران دینی و پیام آوران الهی

که سعادت بشریت را دارا بود و انسان های کنونی اسیر ماشین و

تکنیک ، فاصله ایجاد کرد . انسان شناسان بسی کوشیدند تا چاره ای

بیابندیشند . مصلحان و متفکران در آرزوی رشد اخلاقی انسان موی سر

خویش سپید کردند ، و سرانجام جز سیلابی از اشک دیده و شعله ای از سوز درون چیزی عایدشان نگرديد.

گاهگاهی از لابلای پرده های زمان ، فریاد مقدس نجات بخشندگان به گوش می رسيد که توده های منحرف را که سيل آسا به درون دره های فساد هجوم آورده بودند فرمان ايست می داد. اما اجتماع بشر بيدار نشد و به فکر اصلاح خویش نيفتاد.

امروز ناموس اجتماع زمان برای درهم کوفتن ارکان سستی و پستی ، به مدافعین جوان و فرزانه میازمند است . پس باید مجدانه در راه گسترش حقایق بين نسل جوان گام برداشته و نواقص اخلاقی آنان را به وسیله تشریح تاریخ آزادگان کاهش داد ، تا نیروی معنوی و نبوغ اخلاقیشان افزایش یابد ، و این انحطاط که بدون شک به اخلاق صدمه می زند و جنبش جامعه را در تحصیل پیروزی های علمی و صنعتی نیز کند می کند ، جبران کرد. انسان تنها دستگاهی ماشینی نیست ، و نمی توان به صرف اینکه کار کرد و نیازهای مادی خود را برطرف ساخت ، او را از کسب فضایل و ملکات اخلاق معذور دانست . زیرا ارزش زندگی در تعالی اخلاق و فعالیت روانی است.

الکيس کارل می گوید :

تمدن ما تا کنون موفق نشده است محیطی در خور فعالیت های روانی ایجاد کند . باید قسمت اعظم نقایص هوشی و

اخلاقی مردمان امروزی را به ناکفایتی و بدی محیط روانی ایشان نسبت داد. اولویت ماده، نفع جوئی که اصول آئین صنعتی امروز دنیا را می سازد در زوال فرهنگ و اخلاق سهم بزرگی گرفته است.^۱

پس باید محیطی متناسب با فعالیت های روانی به وجود آورد، و افکار را به طرف آموختنی های سودمند و تصمیم بخش هدایت کرد، و چون تصمیم و اراده در کارها به طرز فکر و عقیده شخصی بستگی دارد، باید اعتقادات را تصحیح و تحکیم کرد و محبت انسان را به طرف مقدسات منعطف ساخت.

۱ - مجله دنیای علم، شماره ۷ ص ۱۰

مقدمه :

علی در دامان کعبه گرامی یزاد ، و خانه یکتاپرستی را از آثار بت و بتکده پاک کرد ، و در خانه خدا « مسجد کوفه » هنگامی که خون پاکش بر جسته ترین شعار توحید و دادگری را نقش صفحه محراب کرد ، روح مواجش به ملکوت آسمان ها پرواز گرفت ، و چشمی که در خانه خدا به صحنه گیتی گشوده شده بود ، در خانه خدا نیز بسته شد ، و در میان این دو حد فاصله زندگی او بود که همچون فروغی که از خاور الوهیت تابید ، دائم متوجه مبدأ لایزال بود ، تا در دامن باختر ابدیت فرو رفت ... « الغدير ، علامه امینی »

همه انسان های آزاده و آزاداندیش می کوشند تا شاید بتوانند پرده ای از اسرار اقیانوس ژرفی را که در آن غور کرده اند نشان دهند ، و به دامن الفاظ و عبارات نغز و شیوا چنگ می زنند تا شور درونی خود را بدان وسیله آشکار سازند و عظمت آن روح بلند را که چون راز مقدس آفرینش بر همه چیز دامن گسترده است بنمایانند ، و با اینکه نیروی سخن و زیبایی بلاغت از تعبیراتشان پیداست باز نمودار آن است که آن هنگامه عجیبی که سازمان فکرشان را به خود سرگرم داشته و آن عواطف پاکی که تا اعماق روانشان را تسخیر کرده است ، هنوز خود را به دست این عبارات نسپرده است .

اما شخصیت به خود متکی علی احتیاج به استمداد از گفتار و افکار دیگران ندارد ، و عظمت خود ساخته او به هیچ گونه

پشتوانه ای نیازمند نیست.

وجود علی چون وجود عقل است که هر چیز بدو باید
سنجیده شود، و ارج و قابلیت هر پدیده به پایگاه عالی او منتهی
می گردد و او را تنها باید به خود و فروغ ذات خود شناخت.

افکار تابنده و نوابغ بزرگ به وسیله او شناخته می شوند، و
هر فضیلت و اندیشه و مکتب با فضایل و اندیشه ها و مکتب جاوید
علی به شخص درمی آید، تا در حد و شرف و گوهر خود با این
مقیاس نهائی عظمت ها، ارزیابی گردد.

آیا با کدام گفتار و افکار شخصیتی را می توان سنجد که به
احتمال اینکه کودکی در کنار بیان های یمامه گرسنه باشد از غذا
چشم می پوشد و به امید اینکه کبر کی خرسند به خانه باز گردد در
بحران گرفتاری های روزانه اش همه گونه تلاش می کند.

شب آذوقه کش یتیمان، و روز سد مستحکم و نگهبان
حقوق ضعیفان است. نه پیرزنی در گوشه کلبه تاریک خود از نظر
محبت بار او دور می ماند، و نه جوان بی ادبی که به ناموس مسلمین
چشم می دوزد از نوازش سیلی محکمش رهائی می یابد...

شب همه شب با چشم بیدار و سیلاب اشک با آفریدگار
هستی ها به راز و نیاز به پامی ایستد و با زمزمه های مقدسی که از
درون قلب سراپا حقیقتش بیرون می آید، نغمه خداپرستی و شور ذکر
و تسبیح را در تار و پود کائنات می افکند و روز با وجدان قهار خود

به رفع آلام و ناراحتی های انسان و آموزش و پرورش افکار توجه می کند و روی ناچیزترین حق هر کس دقیق شده از صیانت آن نمی گذرد.

شعله ای این همه ممتد؟! زیستی سرچشمه این همه فضایل؟! روحی اینگونه در بیابان و طوفان خیز؟! مغزی همواره کانون اشراق، دلی مبدأ ارتباط مستقیم با عالی ترین مبادی وجود، عواطفی که جز محبت به انسان و اعتقاد به ارزش انسان آمیزه ای ندارد، چشمی که به کائنات با نظر فروتنی و تواضع در برابر آفریدگار به آن ها نگاه کرده تا زوایای اسرار آمیزشان را می بیند، دستی که گاهی در قبضه شمشیر فشرده شده و گاهی بر سر اطفال یتیم گشاده می گردد، دیدی که تمام پدیده های هستی در شعاع بافتش مجسم است، و خلاصه انسانی که جهان است، یا جهانی است بصورت انسان یعنی علی بن ابیطالب سرچشمه دانش و دادگری، پرهیزگاری و دلاوری، پاکدامنی و آزادگی، دانایی و سخنوری، نیرومندی و یارسایی، بخشش و فداکاری، رادمردی و از خود گذشتگی، آموزش و پرورش و اصلاح و نجات بخشی.

این شخصیت، این انسان که آئینه صفات خداوندی است و به هیچ معرفی جز نشان دادن شخصیتش با همان ارزش هایی که خدا و رسول برایش بیان کرده اند، نیازمند نیست.

علی موجودی است که همچون آفریدگار خویش وصف

بزرگی و عظمتش از افق توانائی بشر خارج است و فکر محدود انسانی حقیقت بی منتهای او را درک نخواهد کرد.

علی اقیانوس بیکرانه ایست که دست یافتن بر اعماق ذخایر و گنجینه های فضیلت و دانش کار هیچ شناور غواصی نیست، و پی بردن به اندازه و قدرش را هیچ گونه پیمانه و سنجشی نه !!

در عین حال ما باید بکوشیم که در پیمودن راه زندگی، این انسان مقدس را که همه دقایق عمرش را با درخشانترین برنامه به پایان برده است درست بشناسیم، تا او و طرز اندیشه و کار او در روان ما تجسم یابد، و ما را دایم به پیروی و اقتدای به او وادار کند و فضائلش برای ما سرچشمه تولید فضایل باشد.

از اینرو در این مختصر خواسته ایم که به سوی این اقیانوس بیکران با توان مختصر خود به وسایل گوناگون راه یابیم، و در پی بردن به این انسان با فضیلت و شگفت انگیز که بر قله های گوناگون شرف و انسانیت به مقام اعلی علین رسیده است از نیروی فکری دیگر ارادتمندان و شیفتگان استمداد جوئیم و به وسیله رشته های تابنده افکار با این خورشید تابناک بیشتر آشنا شویم.

در این گونه نظرها که بسیار از گذشتگان و معاصران از مذاهب مختلف درباره حضرت علی (ع) اظهار شده است، تنها عظمت و سرافرازی برای صاحبان این نظرها است که توانسته اند هر یک در حد امکان خود این روح بیکران را بشناسند، و این فروغ پایدار را با

چشم بصیرت خود بنگرند، و به این شعاع آسمانی با دیده اعجاب و حقیقت شناسی خیره شوند، و با نورافکن عقل و احساسات، مردی نورانی را در خلال تاریخی تاریک و پرحادثه جستجو کنند. تاریخی که به وسایل گوناگون دست می زد تا شاید بتواند از گسترش این فروغ بکاهد و در برابر آن ابرهای تیره و پوشاننده ای به وجود آورد، ولی تلاش شکست آور حقیقت به پهن شدن و نفوذ خود ادامه داد و اندیشه های بلند انسان های آزاد و متفکر را به خود جلب کرد، تا در ظلمات تاریخ سرچشمه حیات فضایل و بخشنده بقای انسانیت را بیابند.

عَلَى بَيْنِ النَّاسِ كَالْمَعْقُولِ بَيْنَ الْمَحْسُوسِ :

علی در میان انسان ها چون پدیده ای معقول بود در میان محسوس ها.^۱

علی داناتر از همگان بود، او گمان و حدسی نیرومند داشت، و همیشه همراه و همگام با رسول خدا (ص) بود. بخششی از همه افزون داشت و پس از پیامبر، پارسا تر و عابد تر و فرزانه ترین مردم بود.

ایمانش بر همه مقدم، و سخنش از همه فصیح تر، و رأیش از همه محکم تر بود، و به حفظ کتاب خدا و اجرای احکام آن از همه

^۱ - حاشیه شفا، پایان الهیات، ابن سینا

بیشتر توجه داشت.

دوستی و یاریش واجب ، و در رتبه با پیامبران مساوی است ، و او سرچشمه فیاضی بود که دانشمندان دانش های خود را به او استاد دادند.^۱

^۱ - تجریدالعقاید ، خواجه نصیر ، ریاضیدان بزرگ اسلامی